



ویراستاران:
دیوید د. فرانکس، جان اتان اچ. ترنر
ترجمه: دکتر علیرضا حدادی

دستنامه جامعه‌شناسی عصبی /
ویراستاران دیوید د. فرانکس، جانائان اچ، ترنر؛
ترجمه علیرضا حدادی، ۱۴۰۱.
مشخصات نشر: ج ۲: ۳۲۱ ص.
شابك: ۹۷۶-۹۷۶-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: عصب پایه‌شناسی -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع: بیماری‌های روانی -- جنبه‌های اجتماعی
شناسه افزوده: فرانکس، دیوید دی، ۱۹۳۱-م.
شناسه افزوده: ترنر، جانائان اچ، ۱۹۴۲-م. ویراستار
شناسه افزوده: حدادی، علیرضا، ۱۳۶۹- مترجم
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، دفتر نشر
رده‌بندی کنگره: ۳/۳۶۳/۲۲
رده‌بندی دیویی: ۳۶۲/۱۹۶۸
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۶۸۱۴۳۶



دستنامه جامعه‌شناسی عصبی (ج ۲)

ویراستاران: دیوید د. فرانکس و جانانان اچ. ترنر
مترجم: دکتر علیرضا حدادی
ترجمه: حمیدرضا حدادی
ناشر: انتشارات امام صادق علیه السلام
چاپ و صحافی: تهران
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۷۶-۳
چاپ اول: ۱۴۰۱
قیمت: ۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه اینترنتی:

<https://press.isu.ac.ir>

E-mail: pub@isu.ac.ir

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

۱۳	 سخن ناشر
۱۵	 پیشگفتار
۲۱	 بخش سوم: تکامل مغز
۲۳	 فصل ۱۸: راز ذهن انسان: تباران: داستان یک تکامل الکساندرا ماریانسکی
۹۱	 فصل ۱۹: تکامل پایه‌های عصبی گروه گرایی انسان جانانان اچ. ترنر و الکساندرا ماریانسکی
۱۳۵	 فصل ۲۰: جامعه‌شناسی عصبی پاداش دهی، تکرار و درایت اجتماعی مایکل هاموند
۱۷۷	 بخش چهارم: عصب‌شناسی مسائل و مشکلات اجتماعی
۱۷۹	 فصل ۲۱: نابرابری پایدار: از منظر جامعه‌شناسی عصبی جف دیویس
۲۱۵	 فصل ۲۲: زیست‌شناسی عصبی تفکر- قالبی (کلیشه) و پیش‌داوری (تعصب) بتاد. دی تلسون
۲۳۵	 فصل ۲۳: سلطه‌گری، خشونت و پیوند عصبی-هورمونی آلان مازور
۲۵۷	 فصل ۲۴: درک زیرلایه عصب‌شناختی ارتباطات فراکلامی: ابداع فناوری SPLIT SPEC استنفورد دبلو، گریگوری جی آر، و ویل کالخوف
۲۸۵	 فصل ۲۵: جامعه‌شناسی عصبی بهداشت روان آنه اف. آیزنبرگ
۳۱۹	 نمایه

پیشگفتار

در اواخر دهه ۱۹۹۰، کارن کوک سردبیر مجله سالانه جامعه‌شناسی^۱ از من خواست تا مقاله‌ای برای جشن انتشار شماره هزارم مجله بنویسم که در آن به این موضوع پرداختم: «آنچه درباره رشته‌ام نمی‌دانم؛ اما کاش می‌دانستم» (کوک: مسی، ۲۰۰۲). به رغم میل باطنی در مقاله به این نتیجه رسیدم که جامعه‌شناسان امر اجتماعی را به امر بیولوژیک ترجیح می‌دهند و ادامه دادم تا بدین نتیجه برسم که «ما نیازمندیم که خود را در زمینه مسائل مهبجی آموزش دهیم که اکنون درمورد عملکرد مغز، شناخت، تنظیم احساسات و مبانی بیولوژیکی رفتار در حال انجام است». قسمت انتهای مقاله این بود: «ای کاش واقعاً درمورد بشر به عنوان موجودی زیستی، بیشتر از سازمان‌های اجتماعی می‌دانستم و شروع به مطالعه کرده‌ام تا آن را دریابم».

طی چندین سال بعد، بر روی موضوعات بوم‌شناسی رفتاری^۲، انسان‌شناسی تکاملی^۳، ژنتیک، علوم اعصاب و مغز هیجانی بسیار مطالعه کردم که همه آنها تنها همین باور من را تقویت کرد که جامعه‌شناسان نیاز به درک قوی‌تری از انسان‌ها به عنوان موجوداتی زیستی و

1. Karen Cook

2. Annual Review of Sociology

3. Behavioral ecology

4. Evolutionary anthropology

نه فقط موجوداتی اجتماعی داشتند. بعدازآن هدف خود را متقاعد کردن دیگر جامعه‌شناسان درمورد این نیاز قرار دادم. من برای تحقق این هدف در سخنرانی ریاست خود در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، با عنوان «تاریخ مختصر جامعه بشری: منشأ و نقش احساسات در زندگی اجتماعی» اقدام کردم (مسی، ۲۰۰۲) که بعداً آن را به کتابی درمورد تحول شهرگرایی^۱ بسط دادم (مسی، ۲۰۰۵). مهم‌ترین نکته سخنرانی من این بود که «طبیعت و عملکرد مغز هیجانی را تبیین کنم و نشان دهم که چگونه مستقل از مغز منطقی عمل می‌کند و حتی به شدت بر آن تأثیر نیز می‌گذارد». من استدلال کردم که اگر جامعه‌شناسی می‌خواهد پیشرفت کند، «پژوهش و نظریه باید با هر دو جنبه هوش منطقی و هیجانی درگیر شده و به‌طور ویژه بر اثر متقابل میان آنها تمرکز کند».

از سوی دوستان صادق به من گفته شده است که بعد از سخنرانی‌ام در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، برخی همکاران هنگام خروج از تالار کنفرانس شنیده‌اند که ضمن انتقاداتی، معتقد بودند بدون فکر و آینده‌نگری سخن گفته بوده‌ام و بعدازآن، سال‌هاست که جامعه‌شناسان مرا متهم به تحلیل‌گرایی، ژن خوب و حتی نژادپرستی کرده‌اند. بااین حال متوجه شدم که سایر همکارانم به همان نتیجه من رسیدند و در حال پیگیری برنامه‌های فکری موازی هستند. بسیاری از ایشان در سال ۲۰۰۴ دور یکدیگر جمع شدند تا بخش «تکامل، بیولوژی و جامعه» را ذیل انجمن جامعه‌شناسی آمریکا تشکیل دهند. هدف این گروه، ارتقا گفتگو میان جامعه‌شناسی و علوم زیستی اعلام شده است. اکنون این بخش به خوبی مستقر و تثبیت شده است و یک تالار منظم برای تفکر و بررسی درباره مواجهه دو جنبه اجتماعی و زیستی ارائه می‌دهد.

کتاب حاضر، نتیجه تلاش‌های مسئولان ایجاد این بخش جدید است. کتاب راهنمای جامعه‌شناسی عصبی، زحمت دانشمندان علوم اجتماعی را فراهم می‌آورد که درباره پایه‌های عصبی اجتماعی بودن انسان مطالعه و تفکر می‌کنند. فصول کتاب فهرستی از موضوعات را ارائه می‌دهد که جامعه‌شناسی عصبی در درک تأثیر متقابل میان مغز و محیط، آن موضوعات مانند هویت را پوشش داده است. این فهرست شامل هویت، عقلانیت، کنش متقابل، اجتماعی بودن، تبعیض، کلیشه‌سازی، موقعیت، هیجانات،

سلامت، وابستگی، هم‌نوایی و ذهن است.

از نگاه من، پیشرفت‌های آینده علوم اعصاب توسط علوم اجتماعی رخ می‌دهد، چنانچه DNA این نقش را برای علوم زیستی انجام داد. شکستن مرزهای سنتی میان رشته‌های علمی و توسعه کار در زیرشاخه‌ها رخ می‌دهد. جامعه‌شناسی این کار را با ایجاد پایه‌های عصبی برای شناخت، هیجانات و رفتار انجام خواهد داد. درحالی‌که مدل‌های اجتماعی بودن، عقلانیت و رفتار در گذشته بر اساس مفروضات مناسب اما بدون فاکت درمورد ماهیت بشر پایه‌گذاری شده بود، در آینده نظریات ما به‌طور فزاینده‌ای مبتنی بر دانش معتبر، نه تنها درمورد نحوه عملکرد شناخت انسان برای تکوین رفتار بلکه همچنین درمورد نحوه فعالیت‌های محیطی برای شکل دادن به شناخت خواهد بود. این مهم ضروری است که جامعه‌شناسان بخشی از گفتگوی فکری بزرگ‌تری باشند که اکنون بین دانشمندان علوم اعصاب در جریان است؛ زیرا نیروهای محیطی حیاتی که تجلی تمایلات طبیعی انسان را شکل می‌دهند اجتماعی هستند و نه فیزیکی.

محیط اجتماعی در درک کنش‌های انسان با توجه به پیچیدگی ژنوم انسانی و اهمیت یادگیری در شکل‌دهی رفتار، بسیار مهم است. انسان‌ها به‌طور مستقیم با محیط فیزیکی تعامل ندارند بلکه از طریق واسط‌های فرهنگی و جامعه‌ای ارتباط هستند و از آنجا که شیوه‌های فرهنگی و مقوله‌های اجتماعی از طریق تعامل با دیگران منتقل می‌شوند، دانستن تأثیر زمینه‌های اجتماعی که در آن زیست می‌کنیم بر حالت ژن و رشد انسانی برای درک وضعیت انسان بسیار ضروری است. در شرایط خاص اجتماعی است که یادگیری اتفاق می‌افتد و تمایلات طبیعی انسانی نقش می‌بندد؛ بنابراین برای تبیین کنش‌های انسانی باید مجموعه‌ای از محیط‌های اجتماعی را در نظر گرفت که افراد در مراحل مختلف چرخه زندگی و در مراحل مختلف تاریخی توسعه اجتماعی در آن زیست می‌کنند.

ضرورت همکاری دانشمندان جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی با ظهور اپی ژنتیک^۱ (مطالعه چگونگی تأثیر محیط بر حالت ژن) تشدید شده است (آلیس و همکاران، ۲۰۰۷). سال‌ها بود که دانشمندان یک دیدگاه نسبتاً ثابت نسبت به وراثت ژنتیکی داشتند که در آن ژن‌های خاصی توسط والدین منتقل می‌شد و وراثت و تجلی در نسل، بدون در نظر گرفتن

شرایط محیطی بیان می‌شد. تصور می‌شد که ژن‌ها به طرز تغییرناپذیری صرفاً از نظر بیولوژیکی ظاهر می‌شوند و بحث اصلی بر سر این بود که در محاسبه صفات و رفتارهای مشاهده‌شده در فنوتیپ‌های موجودات زنده کدام یک مهم‌تر است: ژن‌ها یا محیط (سیسی و ویلیامز، ۲۰۰۰)؟

با این حال، در سال‌های اخیر، این دیدگاه ایستا در مورد تجلی ژن، جای خود را به یک مدل پویاتر داده است که در آن محیط خود تعیین می‌کند که چگونه ژن‌های خاص ظاهر می‌شوند (ریدلی، ۲۰۰۴). در نتیجه، بحث‌های علمی در حال حاضر بر سر این نیست که چه چیزی مهم‌تر است (ژن‌ها یا محیط) بلکه درباره چگونگی تعامل ژن‌ها و محیط برای ایجاد برخی ویژگی‌های ارثی است؛ بنابراین تمرکز کارهای فعلی در علوم زیستی و رفتاری به تعامل ژن و محیط تغییر یافته است (روتر، ۲۰۰۶). اکنون درک شده است که محیط (و برای انسان این به معنای محیط اجتماعی است) نه تنها رفتار را از طریق یادگیری و شرایط موقعیت شکل می‌دهد بلکه محیط اینکه کدام ژن‌های خاص روشن یا خاموش، یا ظاهر شوند یا خیر، را نیز تعیین می‌کند (کاستا و ایتون، ۲۰۰۶).

با بررسی رابطه متقابل و پویا میان مغز انسان، رفتار و محیط اجتماعی، مشخص است که کتاب راهنمای جامعه‌شناسی عصبی تمهیدی بسیار به موقع، افزون بر ادبیات پژوهشی زیست اجتماعی^۱ است. فصول کتاب، مقدمه‌ای ضروری بر قواعد پایه‌ای و پرسش‌های فوری در زمینه نوپدید جامعه‌شناسی عصبی را ارائه داده و زمینه را برای تفکر و تحقیقات آینده فراهم می‌کند. مفتخر و خوشحالم که آن را به همه جامعه‌شناسان تقدیم کنم؛ چراکه همان‌طور که در مقاله خود برای مجله سالانه گفتم، «نقطه آغازین برای کنار آمدن با وضعیت مان باید درک این نکته باشد که ما در واقع موجودات بیولوژیکی هستیم...». ما باید مقاومت تاریخی خود را در برابر این ایده که رفتار اجتماعی دارای ریشه‌های زیستی است کنار بگذاریم و این واقعیت را بپذیریم که ما، به عنوان بشر، استعداد‌های ویژه‌ای را برای تفکر و رفتار به ارث برده‌ایم که بر ساختارهای اجتماعی که ناخودآگاه در آن تکامل یافته و منطقی انتخابشان می‌کنیم، تحمیل و تأثیر می‌گذارند. انتشار کتاب راهنمای جامعه‌شناسی عصبی شواهد متقنی ارائه می‌دهد که جامعه‌شناسی به‌طور عینی در این